

316842 - آیا لوح محفوظ مخلوق است و آیا قرآن در آن حلول می‌یابد و آیا نور خداوند در روز قیامت در زمین حلول می‌یابد؟

سوال

آیا لوح محفوظ مخلوق است؟ و اگر جواب آری است، چگونه قرآن در آن هست حال آن‌که قرآن مخلوق نیست؟ در حدیث آمده که: **به نور چهره تو که تاریکی‌ها را روشن کرده پناه می‌برم** آیا معنی‌اش این است که نوری که می‌بینیم از نور خداوند است؟ و آیا معنی‌اش این است که صفات خداوند در خلق او حلول یافته؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولاً:

لوح محفوظ مانند دیگر آفریده‌های خداوند، مخلوق است و هر چیزی جز الله مخلوق است، مانند عرش و کرسی و لوح محفوظ.

این امری است آشکار که اشکالی در آن نیست و اصلاً اختلافی در آن رخ نداده است، زیرا هر چیزی جز خداوند جل جلاله مخلوق اوست و پس از آن‌که نبوده به وجود آمده، لوح محفوظ و قلم و عرش و هر چیزی که در آسمان و بالای آسمان و در زمین است و هر آن‌چه در این هستی وجود دارد، همه آفریده شده توسط الله رب العالمین است.

در این که قرآن در لوح محفوظ نوشته شده باشد اشکال و ایرادی نیست، چنان‌که ما نیز قرآن را بر کاغذ چاپ می‌کنیم که مخلوق است.

همین‌طور که ما سخن را به زبان می‌آوریم و آن را در برگه‌هایی می‌نویسیم در حالی که صفت کلام که از صفات ماست در این اوراق حلول نمی‌یابد بلکه همه صفات ما قائم به ذات ماست.

ثانیاً:

نور، از صفات الله تعالی است، چنان‌که می‌فرماید:

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [زمر: ۶۹]

(و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند)

و روز قیامت نیز همین‌گونه خواهد بود.

اما در دنیا، نوری که ما می‌بینیم مخلوق است و نور خورشید و ماه و دیگر مخلوقات است.

در روز قیامت نیز نمی‌گوییم که صفت خداوند در زمین حلول یافته، بلکه صفت او قائم به ذات اوست، مانند علم و سمع و بصر و خلق و اراده و کلام او.

ما در این دنیا از نور خورشید و ماه روشنی می‌گیریم حال آن‌که آن دو از ما دورند و کسی نمی‌گوید خورشید یا ماه در ما حلول یافته است یا آن‌که صفت خورشید و ماه در ما حلول یافته، بنابراین صفت قائم به موصوف است اما صفت اثری دارد و آن چه از آن تولید می‌شود.

ابن قیم - رحمه الله - در نونیه خود (۲۱۲) می‌گوید:

«نور از نام‌های اوست همچنین و از اوصاف او، که پاک و منزّه است آن صاحب برهان

و حجاب او نور است که اگر حجابش را کشف کند اکوان را بسوزاند

و هرگاه که برای داوری آید نورش در زمین روشنی بخشد...»

و همچنین می‌گوید: «در نص از پروردگار به نام نور نام برده شده و این‌که نوری به او نسبت داده می‌شود و این‌که او نور آسمان‌ها و زمین است و این‌که حجاب او نور است، در نتیجه این چهار نوع است.

بنابر اولی او سبحانه و تعالی به شکل مطلق نور نامیده می‌شود چرا که او نور هدایت‌گر است.

و دومی به او اضافه می‌شود، چنان‌که صفات حیات و سمع و بصر و عزت و قدرت و علم به او افزوده می‌شود (یعنی گفته می‌شود علم الله و نور خداوند و عزت پروردگار و...).

و این گاه به وجه (چهره) او افزوده می‌شود [و گفته می‌شود نور وجه پروردگار] و گاه به ذات او...

سوم: افزودن نور او به آسمان‌ها و زمین است، مانند این سخن تعالی:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ [نور: ۳۵]

(الله نور آسمانها و زمین است)

و چهارم مانند این سخن [پیامبر صلی الله علیه وسلم که] **حجابش نور است**.

بنابراین نوری که به پروردگار نسبت داده می‌شود بر چهار وجه پیشین است» (مختصر الصواعق: ۴۲۳).

از شیخ بن باز درباره تفسیر آیه **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** پرسیده شد.

ایشان چنین پاسخ دادند: معنای آیه کریمه نزد علما این است که الله سبحانه و تعالی آن را منور ساخته، بنابراین همه نوری که در آسمانها و زمین و روز قیامت است همه از نور او سبحانه است.

نور بر دو نوع است: نور مخلوق که در دنیا و آخرت و در بهشت است و همچنین نوری که هم اکنون در میان مردم است از [جمله] نور ماه و خورشید و ستارگان و همین‌طور نور حاصل از برق و آتش، همه مخلوق است که از آفریده‌های پروردگار سبحانه و تعالی است.

اما نور دوم: نوری است که مخلوق نیست بلکه از صفات خداوند سبحانه و تعالی است. و الله سبحانه و تعالی با همه صفات خود، خالق است و هر چه ماسوای اوست، مخلوق است و نور وجه او عزوجل و نور ذات او سبحانه و تعالی هر دو غیر مخلوق است بلکه هر دو صفتی از صفات او جل و علا است.

و این نور عظیم، وصف اوست و مخلوق نیست، بلکه صفتی از صفات اوست، مانند سمع و بصر و ید و قدم و دیگر صفات والای او سبحانه و تعالی.

و این همان سخن حقی است که اهل سنت و جماعت بر آن می‌باشند» (مجموع فتاوی: ۵۴ / ۶).

اما حدیث **أعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات** (به نور چهره تو که تاریکی‌ها را روشن کرده پناه می‌برم) ضعیف است. برای بیان ضعف آن به **سلسلة الأحادیث الضعيفة والموضوعة** آلبانی (۴۸۶ / ۶) مراجعه نمایید.

والله اعلم.